

فرهنگ

فرهنگ، هنر و رسانه ویژه

در گفت‌وگو با قاسم تبریزی، پژوهشگر تاریخ و به بهانه پخش سریال «سرزمین مادری» مطرح شد

فرصت عبرت از گذشته سرزمین مادری

عکس: پید... عیدلی

صفحه ۸



آسیب شناسی مخاطبان تئاتر
در روزگار شبکه‌های اجتماعی

سقوط سلیقه مخاطب تئاتر

فرهنگی
۱۱

گفت‌وگو با مجید رستگار، پرکارترین کارگردان
چهاردهمین جشنواره فیلم عمار

یالمار شاخ مردی با «کیف قرمز»



فرهنگی
۱۰

نگاهی به کشتار خبرنگاران
به دست رژیم صهیونیستی

ترور هدفمند راویان حقیقت



رسانه
۶

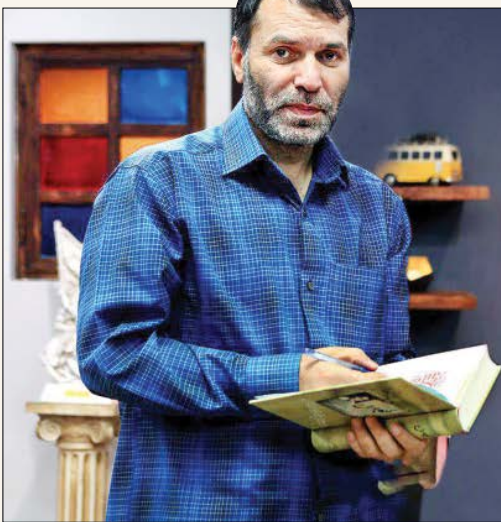
رویداد

احمد میرحسان | نویسنده و پژوهشگر

به بهانه بزرگداشت مسعود ده‌نمکی و رونمایی

از مجموعه ۷۸ جلدی «فرهنگ نامه اسارت و آزادگان»

فرهنگ انقلابی ویک چهره حزب اللهی



بِس که آدم دید و همنشین آدم‌ها گشت و رشد کرد. نیرویی ذخیره شده، مشحون و انفجاری از عشق، ایمان و عدالتخواهی.... بعد از جنگ روزنامه‌نگاری‌اش هم پدیده‌ای شد. با ۱۰ اسم مستعار روزنامه‌ای معترض درآورد. علیه جریان درون انقلاب که همه‌اعتبارشان از امام و انقلاب و خصوصاً اسلام بود، لیک پرسونایی داشتند و نقش باطنی شان بت نفس و جهان مدرن و گرایشات نولیبرالی و سازش با ضدانقلاب بود. غوغا به پا کرد و با ممتازترین چهره‌های انقلاب در افتاد. زیرای دید با صورتک راه امام، به راه امام پشت یا می‌زنند؛ از هاشمی تا خمتی، از غرضی تا مهاجرانی و... مسلحه، جبهه، صبح دوکوهه با ۱۰ اسم خودش و اسم‌های مستعارش یک‌تنه لشکر مقاومت برابر نامجرمان راه اسلام و خمینی بزرگ می‌ساخت. این ریاضت انقلابی در هجوم ضدانقلاب اورا پرتاب کرده به سینما؛ این‌جام پدیده غربی‌بی. همان‌گونه که پدیده‌ای مکتب‌نرفته در روزنامه‌نگاری بود، سینماگری به مکتب نرفته و خط‌نوشته در سینما شد که پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران را ساخت و نیز ایمانی‌ترین آثار را.

از درد زاده و از زخم رشد کرد

ضدانقلاب، لیبرال‌ها و تکنوکرات‌ها دست به دست هم دادند تا نابودش کنند اما او از درد زاده می‌شد و از زخم رشد می‌کرد. او به تنهایی یک جبهه بود و گردانی رزمنده بود مثل گردان حمزه اما چهره‌های انقلاب، بزرگداشت هنر در خدمت حق در جنگ با باطل و بزرگداشت سینما و کتاب برای زنده نگاه داشتن امر خاندان وحی و همچون منبر در جهان امروز است. کاش تحصیلات حوزه‌ای خود را تا اینجا، فهاقت، علم و تفقه در مراتب عالی ادامه می‌داد و ادامه دهد. در آن صورت مجادله او با جهان شیطان‌ی مدرن ژرف‌تر پیش می‌راند. او نمونه باز زلف‌الهی در برکت دادن به عمر به سبب بندی حق است و حقانیت زندگی انقلابی. این خداست که مکان/ زمان حضور ده‌نمکی را تعیین و او را در باطن و ظاهر غرق باران الطافش کرده است. عمرش دراز و ژرف باد.

خاطراتش؛ «آدم باش» از آن نشانش را می‌یابیم و گردان حمزه و نواب و انقلاب دوم... دیگر کتاب‌های اوست و...
پدیده انقلاب اسلامی
ده‌نمکی یک پدیده خاص انقلاب اسلامی است. آیا این شور انقلاب بوده که از او یک پدیده ویژه ساخته، پدیده شور کار کردن تا سرحد شهید شدن؟ یا این شور او، شخصیت بی‌قرار و شوریده‌اش بوده که انقلاب اسلامی را گاه، جایگاهی برای ظهورش یافته؟ کاش انقلاب انبوهی از این شهدای ایثارگر زنده هنوز داشت به جای این همه مواج‌ب‌بگیر بی‌خاصیت ناتوان و سست ایمان و خودخواه! ده‌نمکی‌گونه در سینمای ما به تعداد انگشت‌های یک دست هم نیستند. پرشور، خستگی‌ناپذیر و چند سویه. پگاه آهنگرانی حق‌مطلب را در مستندش درباره ده‌نمکی ادانکرد. پس که حجاب ایدئولوژی و پیشداوری جلوی چشمش را گرفته بود تا پدیده غریب و عجیب را نبیند و ده‌نمکی موضوعی دست نخورده باقی بماند، برای فیلمی مستند.

لشکر یک‌تنه مقاومت

بچه بود که سرشار از عشق امام به انقلاب پیوست. نوجوان بود که جانپاز شد. در جبهه نوجوانی‌اش، همان سلوک عارفان شد. آدم شد

برش

چهره‌سازی انقلاب

مجالی دیگر و مفصل برای موشکافی کتاب‌های افزون از ۱۰۰ جلدش لازم است و پولی که از سینما درمی‌آورد و هزینه زایش این فرهنگ‌نامه‌ها، مفتاح‌الحديث و کار غریب فرهنگ‌نامه اسارت شده که منبع لایزال ثبت تک‌تک معارف خاندان هدایت است و حکایت آزادگان انقلاب اهل‌البیت و حکایت تک‌تک اسرای مقاومت مقدس برابر جهان کفر در زندان و در اسارت است. بزرگداشت این



زمانی که جسم ترا حمل می‌کند، توان آن را داری که مکان و زمان دلخواه را خود بگیرینی، آنجا و آن زمان حاضر شوی و گفت‌وگو رابطه‌هایی از جنس خرد و فرهنگ شکل‌دهی با شعر، مستندسازی، متن‌شفاهی، سخنرانی، داوری، کارگاه‌های شعر یا فیلم، نشست‌های تخصصی کار هنر و نقد، گردهمایی‌های بینارشته‌ای، سینما/معماری، انسان‌شناسی/ فیلم، جامعه‌شناسی/ ادبیات و سینما، سیاست، فرهنگ، رسانه و مطالعات فرهنگی و... در سراسر ایران به دانشگاه‌هایی، فرهنگسرای، فرهنگساز، نهاد هنر و دانشی دعوت می‌شوی که گفت‌وگو در آنجا را با دانشجویان و مخاطبان فرزانه‌اش دوست داری و خاطرات جوانی تو در آن جاها جوان مانده، دانشگاه تهران، شریف، پلی‌تکنیک، دانشگاه علوم ارتباطات اجتماعی که بعد شد علامه طباطبایی، دانشکده حقوق، علوم اجتماعی، علوم، فنی دانشگاه شیراز، اهواز، اصفهان، گیلان، مشهد، کاشان، سبزوار، قزوین، آمل، ساری و... و زمانی فرا می‌رسد دیگر جسم می‌گوید سال‌ها ترا حمل کرده‌ام، دیگر نمی‌توانم و دست از سرم بردار و این طور می‌شود که حتی جاهایی که دوست داری حضور داشته باشی، نمی‌توانی باشی، در این اواخر و نیز همین پریش به دو جادعوت شدم و نتوانستم بروم. از سینمای مستند و تجربی چندبار برای جشنواره سینماحقیقت تماس گرفتم، گفت نمی‌دانم می‌توانم یا بیا به دوست داشتم بروم. کارتم هم‌مان ویژه فرستادند لاهیجان اما آن روزهای جشنواره پا در گل ماندم اسیر جسم فروت که می‌گفت به فرمان منی و من نمی‌توانم حمله کنم و آخرین جایی که دوست داشتم باشم و نتوانستم، گردهم آمدن برای گرمی داشتن ده‌نمکی است. اما دلم نمی‌آید ناگفته بماند حیرتم از او و توان جسم آبدیده‌اش! روح او ۱۰ برابر کالبدش او را برمی‌انگیزد به کار و سعی مأجور و مشکور. یک روز گفتمش این توان اجرندویی جهادی خالص است که در کتاب

زاویه

عباس هادیان | فیلمنامه‌نویس و داوور جشنواره مردمی فیلم عمار

جشنواره عمار دغدغه مسائل روز دارد



توصیه من به افراد دغدغه‌مند انقلاب در حوزه سینما این است که قدرت قلم خود را بالا ببرند. صرف دغدغه‌مندی و پرداختن به محتوا، فیلمنامه خوبی ایجاد نمی‌کند. برای نوشتن فیلمنامه مطلوب، لازم است در این زمینه علاوه بر آموزش، مطالعه‌شود و کار کرد. برای مادر چهاردهمین جشنواره عمار محتوا در اولویت است؛ چرا که تأثیر فیلمنامه بر روح مخاطب، برخاسته از محتوا خواهد بود. واقعا هم تبدیل کردن مقوله‌های هدایتگر به فیلمنامه، سخت است. همان‌طور که گمراه کردن با اثر، کار آسانی است. وقتی محتوای هدایتگر قرار است در درام قرار گیرد، این زائر در مقابل آن خیلی مقاومت می‌کند و هنرمند باید تلاش مضاعفی داشته‌باشد تا بتواند مضمونی هدایت‌کننده را به صورت دراماتیک بیافزیند. در این مرحله اغلب افراد، تبلی و کم‌کاری می‌کنند. در نهایت باید تلاش کرد تا اثر ما هم هدایتگر و هم از نظر فرمی، قابل قبول باشد. چون فیلمنامه‌نویسی زمینه‌ای است که با سیر آفاقی و انفسی و تجربه، بسیار مرتبط است. تمرین زیادی را می‌طلبد. معمولاً گفته می‌شود پس از ۴۰ سال تازه قلم فیلمنامه‌نویس قوت می‌گیرد. این به این معنی نیست که افراد پایین‌تر از این سن نمی‌توانند فیلمنامه‌نویس شوند اما چون تجربه زندگی در نوشتن خوب خیلی موثر است، نوجوان باید به مسائلی که کاملاً با آنها آشناست، در قالب کارهای کوتاه و خرده‌روایی شروع کند و آرام آرام با تجربه‌ای که کسب می‌کند، وارد عرصه حرفه‌ای شود.

معیارهای داوری آثار هر جشنواره براساس تصمیم شورای سیاست‌گذاری آن مشخص می‌شود. این‌گونه نیست که ما به عنوان داوور بخش فیلمنامه‌نویسی در معیارها دخالتی کنیم؛ ما براساس همان معیارهای تعیین‌شده، داوری می‌کنیم. گاهی فیلمنامه از نظر فرمی، قابلیت‌های خوبی دارد اما با معیارهای جشنواره تطابق ندارد و ما آن اثر را به مراحل بعدی نمی‌فرستیم. البته این به معنای آن نیست که ما در داوری فیلمنامه اصلاح‌فرم را در نظر نمی‌گیریم؛ همخوانی محتوای اثر با سیاست‌های جشنواره برای ما اولویت است اما فیلمنامه باید حداقل‌هایی از فرم را هم داشته‌باشد تا به مراحل بالاتر، صعود کند.

در یک ارزیابی کلی از آثار ارسال شده به جشنواره، می‌توان گفت تمامی آثار به سوزه‌های مهمی پرداخته و بعضاً، جذابیت‌های فرمی نیز داشته‌اند. بعضی از این آثار اولویت‌های راهبردی داشتند و بعضاً از نظر فرمی، خیلی قد‌رتمند بوده و در مواردی، در ارتباط با بحث مقاومت مردم ایران در برابر استعمار بودند. به عبارتی بهتر باید گفت تعداد زیادی از ۳۰ اثری که امسال به جشنواره رسید، درباره موضوع مقاومت و فلسطین بود. ضمن آن‌که پیش آمدن «طوفان الاقصی» موجب شد برخی آثار از این اتفاق الهام بگیرند؛ به همین دلیل برخی فیلمنامه‌ها در دقیقه ۹۰ به دست ما رسید. این اتفاق مشخص کرد، کسانی که برای عمار کار ارسال می‌کنند، دغدغه مسائل روز را دارند. البته نباید از این موضوع نیز غافل شویم که کیفیت آثار مربوط به فلسطین و طوفان الاقصی به این دلیل که فرصت کم بود، در سطح پایین قرار داشت. با این حال، یک یا دو اثر فیلمنامه کوتاه که در بخش مسابقه قرار داشت، به موضوع فلسطین پرداخته بودند.